

تکنیک و فرهنگ سفالینه لاله‌جین

عباسعلی رسولی

مقدمه

خاک به ظاهر، مادهٔ مرده و حقیری پنداشته می‌شود اما درواقع، دایه‌ای است که بذر حرکت و زندگی را در درون خود می‌پرورد. تکیه‌گاه و محل زیست و نشو و نمای گیاهان و درختان است؛ پرورش‌دهندهٔ منابع متنوع تغذیه و امانتدار گنجینه‌های عظیمی برای انسانهاست. از بُعد فرهنگی، سمبل افتادگی، تواضع و رازداری به حساب می‌آید. منشاء و خمیرمایهٔ وجودی انسان در فرهنگ توحیدی متکی به وحی است؛ زیرا که خداوند انسان را از این ماده آفرید و روح خود را در آن دمید.

آب مادهٔ سیال زندگی‌سازی است که در کنار یار دیرین خویش خاک بیش از هفت دهم سطح زمین را پوشانیده است. در حضورش انجماد از خون، پژمردگی از گیاه و توقف از کارکرد قلب دور می‌شوند و خلاصه آنکه وجود را از عدم متمایز می‌سازد. از نظر اعتقادی و ارزشی مظهر صداقت، یگانگی، پاکیزگی و روشنایی محسوب می‌شود.

آتش نمود عینی روشنایی و انرژی است، نور در فرهنگهای مختلف سرچشمه حرکت، سرزندگی، امیدواری و مبارزه با پلیدیهاست. خام را پخته می‌کند و تمدن را در سایه ذوب کردن و گداختن و ترکیب جدید مواد ممکن می‌سازد.

انسان بر همه مخلوقات هستی سروری و اشراف دارد. متفکر، صاحب اراده، دارای قوه تشخیص و حق انتخاب است. طبیعت مسخر او شده، ملائک به امر خداوند در برابرش سر به سجده نهاده‌اند. زاینده هنر، اندیشه و ابداع و حامل و تجلی‌بخش فرهنگ است. ابزارسازی بی‌رقیب و مبتکری بی‌مانند است موجودات عالم را به مدد می‌گیرد و با بهره‌گیری از خواص ذاتی اشیاء و عناصر در ترکیب با استعداد شگرف و ذهن توانا و دستهای خلاق و سازنده‌اش روی به جاودانگی دارد.

خاک، آب و آتش به‌همراه تلاش و نبوغ انسان، عناصر اصلی سفالگری را می‌سازند. نیاز، زیبایی، خلاقیت و تفنن و صدها عنصر ریز و درشت فرهنگی درهم می‌آمیزند و این صنعت متنوع، پرکاربرد و جذاب را پدید می‌آورند. سفالگری محصول و ثمره بسیاری از مفاهیم انسانی، فرهنگ و روابط اجتماعی با تکنیک و طبیعت است. ابتکارات و آفرینندگیهای صنعتگران، نیازها و ظرفیتهای هنرمندان و ... در طی نسلهای متوالی برهم انباشته شده و فرهنگی قابل مطالعه و بررسی فراهم کرده است. این صنعت سستی مراکز و محافظی دارد که حیاتش را نگرهبانی می‌کنند و استمرار می‌بخشند. یکی از پایگاههای مستحکم این هنر و صنعت دیرین لاله‌چین همدان است که گویی با سفال، سفالگری و سفالگران همزاد است. این شهر شهرتی جهانی دارد و می‌توان ادعا کرد که در برخی کشورها شناخته‌شده‌تر از همدان است. بنابراین، وسیله مناسبی برای معرفی فرهنگ و تمدن کهن ایرانی محسوب می‌شود.

اهداف تحقیق

به اهداف متعددی در این تحقیق توجه خواهد شد که عمده آنها عبارت‌اند از:

- ۱- سعی در شناخت و بررسی خاستگاه این تکنیک در ایران و چگونگی ورود و استقرار آن در منطقه لاله‌چین؛



- ۲- شناخت و آگاهی یافتن درباره تأثیر تکنیک سفالگری در ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر لاله‌جین؛
- ۳- آشنایی و درک علمی‌تر و عینی‌تر ابزارها، روشها، مهارتها و فرآورده‌های این صنعت؛
- ۴- بررسی تغییرات به‌وجود آمده در وسایل، شیوه‌ها، مکانهای مورد استفاده، نوع تولیدات، نحوه عرضه تولیدات و مهم‌تر از همه آنها روابط اجتماعی و انسانی درون کارگاهها و ... حداقل در طی چند دهه گذشته؛
- ۵- تأثیر این صنعت بر باورها، عقاید، سنتها، گرایشات و علایق مردم لاله‌جین از طریق بررسی مردم‌شناختی آثار تولیدشده و اکتشاف ناشناخته‌های مکتوم ذهنی این به‌وجودآورندگان زیبایی و هنر و برطرف سازندگان نیازهای انسانی؛
- ۶- شناسایی و بررسی نقش صنعت سفال در زندگی کشاورزی و دامداری پیشین و روابط متقابل این دو گروه اجتماعی در گذشته و حال و همچنین چگونگی پذیرش تغییرات مطلوب برای بقا در وضعیت زندگی جدید؛
- ۷- بررسی نقش این صنعت در نوع معیشت، وضعیت اقتصادی سفالگران در زمان گذشته و حال؛
- ۸- مطالعه وسایل و ظروف سفالینه مورد استفاده در مراسم گوناگون از بُعد فرهنگی و توجه به تمایز اشیا ضروری و تزئینی سفالینه؛
- ۹- پی‌گیری و تحقیق درباره علت منحصربه‌فرد بودن تولید ظروف سفالین در لاله‌جین و نبودن هیچ نوع مرکز تولیدی مشابه در مناطق اطراف و جستجوی این تمایز و ریشه‌های تاریخی آن در منطقه؛
- ۱۰- بررسی و آزمون تئوریه‌ها و نظریات مردم‌شناسان در یک بررسی عینی و علمی و تطبیق این نظریات با یافته‌های حاصل از تحقیقات مردم‌شناسی که انجام شده یا انجام خواهد شد؛
- ۱۱- تحقیق درباره خصوصیات فرهنگی و روان‌شناختی سفالگران به‌ویژه آن بخش از خصلتهای آنان که مانع اکتساب تکنیکهای جدید و رشد و تعالی این صنعت می‌گردند یا برعکس ارتقای کیفی تولیدات را سبب می‌شوند؛

۱۲- بررسی خرده فرهنگهای موجود در لاله چین و ارتباط متقابل آنها با یکدیگر به خصوص گروههایی که به صورت مستقیم با سفالگران در ارتباط بوده اند؛ دوره گردها و فروشندگان تولیدات سفالینه، ماموران و مسئولان دولتی و ...؛

۱۳- تحقیق درباره روش انتقال این صنعت به دیگران و همچنین نحوه گسترش و پیشرفت آن.

شیوه های تحقیق

برای رسیدن به اهداف اساسی تحقیق که دسترسی به ارتباطات متقابل تکنیک سفالگری و فرهنگ مسلط بر آن در لاله چین است و همچنین توجه به تحولات و تغییرات این روابط در گذر زمان طرق گوناگونی را می توانیم طی کنیم که برخی از آنها عبارت اند از:

الف) تحقیقات میدانی

۱- مشاهده دقیق و کامل ابزارهای مورد استفاده در این هنر- صنعت سستی، کارگاه های تولید، فرآورده ها، روابط انسانی حاکم بر درون و بیرون از کارگاهها و ... که توأم با همدلی و صمیمیت صادقانه است. یادداشت برداری و فیش نویسی، اندازه گیری بخشهای مختلف کارگاهها، عکس برداری، طراحی و ... کار کامل می شود.

۲- مصاحبه های متعدد با افراد شاغل در سمتهای مختلف سفالگری، سالخوردهگان و از کارافتادگان این صنعت، هنرمندان و نقاشان، فروشندگان و توزیع کنندگان و تا حدودی مصرف کنندگان لازم است. این مصاحبه ها پرسش نامه ای نیستند ولی به صورت کاملاً رها شده و آزاد نیز نخواهند بود.

۳- توجه به اسناد و مدارک، قراردادها، منابع مکتوب احتمالی گذشته و حال، برای پی بردن مستند به اتفاقات درونی روابط انسانی در این صنعت دستی است. هر چند که دسترسی به چنین اسنادی در جامعه ای که اکثریت افراد بی سواد هستند و قراردادها و تعهدات خود را به صورت شفاهی انجام داده اند و هنوز به آن پایبند هستند، آسان نیست.



ب) منابع مکتوب و کتابخانه‌ای

راه بعدی مطالعه که به‌طور مستمر می‌تواند یاور کار تحقیق باشد توجه و بهره‌برداری از گزارشات، پایان‌نامه‌ها و تحقیقات رسمی و غیررسمی موجود دربارهٔ صنعت سفالگری شهر لاله‌جین است که از دو جنبه می‌تواند راه‌گشا باشد. این فواید انکارنشدنی عبارت‌اند از:

- ۱- فراهم کردن اطلاعات آماده و سهل‌الوصول از مقاطع مختلف زمانی و سیر این هنر دستی که امکان مقایسه با وضعیت فعلی را فراهم می‌سازد.
- ۲- توجه به نقص و اشکالات کارهای قبلی و عبرت‌آموزی از آنها و تکرار نکردن اشتباهات و خطاهای فاحش. در تمام این بررسیها، مکاتب و نظریات مردم‌شناسی مثل قطب‌نمایی ارزشمند در پیش روی ما خواهند بود؛ مثلاً با استفاده از مکتب اشاعه، کشف مسیر رسوخ سفالگری در لاله‌جین و علت رشد نکردن آن در سایر نقاط بررسی خواهد شد.

ج) معرفی کارگاههای انتخاب شده برای تحقیق

برای آنکه امکان تحقق عملی این اهداف میسر باشد پس از جمع‌آوری اطلاعات کلی و لازم دربارهٔ سفالینهٔ لاله‌جین در سطح همهٔ کارگاه‌های موجود و تقسیم‌بندی و تشخیص انواع و نمونه‌ها برای تعمیق و مردم‌شناسانه نمودن کار تحقیق، ده کارگاه مختلف را با توجه به نوع تولیداتشان (چرخ‌ی و دوغابی)، بافت و ترکیب روابط انسانی حاکم بر آنها مثل مناسبات خویشاوندی یا غیر آن، فراوانی و تنوع تولیدات یا تک‌محصولی بودنشان، موروثی بودن انتقال این فن و هنر، داشتن ساختمان قدیمی یا مدرن بودن واحدها و دهها عامل دیگر متمایزکننده و مشخص‌سازنده برگزیده‌ایم. قطعاً از عوامل مهم اثرگذار در این انتخاب روح همدلی و همکاری لازم در بین اعضای کارگاههای مورد مطالعه به‌ویژه سرپرست و اداره‌کنندگان کارگاههای موردنظر است؛ زیرا در میدان تحقیق هرگز نمی‌توان بدون همکاری و صداقت دوستانهٔ افراد مورد مطالعه به واقعیتهای موردنظر دست یافت استقبال و همراهی کارکنان و سرپرستان کارگاههای مورد بررسی تحسین‌برانگیز است.

تکنولوژی سفالگری، معرفی‌کننده بی‌نظیر فرهنگ

درباره محتوای کلمه وسیعی مثل فرهنگ که به آسانی نمی‌توان به ابعاد گوناگون آن پی برد، افراد، گروه‌های مختلف و محققان به سردرگمی‌های بسیار دچار می‌شوند، مهم‌ترین مشکل در این زمینه، شاخص‌سازی و تعیین معیارهایی برای تعیین کیفیت فرهنگها است اما به اظهار بسیاری از محققان سفالگری بهترین یاور پژوهشگران است که در جستجوی واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

«سفال فراوان‌ترین، ارزان‌ترین، شکننده‌ترین و متنوع‌ترین کالای مصنوعی بوده که انسان باستان از دوران نوسنگی به بعد در اختیار داشته است».

زمانی‌که از ورزیدگی گل و ماده چسباننده آن سخن به میان می‌آید با شکستن یک تکه سفال و دیدن مقطع آن به مقدار تقریبی حرارت در پخت آن می‌توان پی برد. سه ویژگی رنگ، سختی و بافت سفال معرفی‌کننده آن هستند. به‌طور کلی، سفال در سه رنگ عمده قرمز، نخودی و خاکستری تولید می‌شده است.^۱

طبقه‌بندی سفالهای مختلف می‌تواند یکی از وسایل دسترسی به تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع باشد. مثلاً با جدا کردن ظروف تزئینی از سفالهایی که بیشترین کاربرد را در زندگی روزمره و جنبه‌های اقتصادی دارند تا حدودی می‌توانیم نوع نگرشهای حاکم را دریابیم. «علت اهمیت سفال در علم باستان‌شناسی و تاریخ از آن جهت است که سفال پخته شده دارای مقاومتی است که پس از گذشت قرن‌ها و مدفون ماندن در زیر خروارها خاک از بین نرفته و حتی نقوش مختلف هریک از آنها سالم باقی مانده‌اند. در صورتی‌که در زمانهای مشابه، حتی فلزات تاب مقاومت نیاورده‌اند. از اینجا پیداست که سفال دارای چه اهمیتی می‌تواند باشد».^۲ با توجه به آمیختگی هنر سفالگری با تمام اجزای زندگی گذشتگان، هر بخش از تاریخ یک سرزمین را با کمک آن می‌توان تجزیه و تحلیل کرد. در واقع، استخدام این‌گونه وسایل کار، بررسی تاریخی را علمی‌تر و عینی‌تر می‌سازد.

«سفالگری ساده‌ترین و درعین‌حال دشوارترین هنرها است و درحقیقت این هنر به‌قدری اساسی است و به‌قدری با نیازهای نخستین تمدن بستگی دارد که روح قوی ناگزیر در آن تجلی



می‌کند. هنر هر سرزمینی و میزان حساسیت هر قومی را با هنر سفالگری آن می‌توان سنجید. سفالگری هنر خاصی است و انتزاعی‌ترین هنرهای تجسمی است.^۳ در اثبات حقانیت این مسیر، یعنی مطالعه و بررسی تاریخ سفالگری برای تعمیق آگاهی و شناخت از جوامع انسانی، به نظر محققان دیگر برای تأیید بیشتر اشاره می‌کنیم.

«کثرت فرمهای سفالی در یک اجتماع، متبلور شدن فرهنگ آن جامعه است و آداب و رسوم سفالگری نیز از این قاعده مبرا نیستند. ظروف نیز شبیه دیگر فرمهای هنر می‌تواند بیان‌کننده احساسات بشری باشند. خوشی، درد با تأثیرات آنها و وابستگی‌شان با طبیعت و حتی خصوصیت‌های اخلاقی قالب بینشان می‌توانند انعکاسی در فرم و شکل ظروف داشته باشند. در جایی که نیروی حیاتی کوزه‌گر و فرهنگش در نهاد او گذاشته شده است و کنجکاو او ظرفی خواهد بود تا حیات را در آن مشاهده کرد»^۴.

تاریخچه سفالگری در ایران

بررسی تاریخ ایران بیان‌کننده آن است که قدمت ساخت اشیای سفالین در این سرزمین به هزاران سال قبل می‌رسد. مردم ساکن در این منطقه از دوران قدیم استعداد برجسته‌ای در ابداع و ایجاد منابع مختلف داشته‌اند. به گواهی بسیاری از باستان‌شناسان سفالگری اولیه، تقلیدی از سبدهای ساخته شده و از ترکه‌های درختان بوده است و در مواردی سبدها به صورت قالبی برای ساختن ظرف سفالین به کار می‌رفته است.

«بر مبنای آخرین کشفیات و تحقیقات باستان‌شناسی، فن و هنر سفالگری ایران سابقه دیرینه دارد و به حدود هزاره هشتم پیش از میلاد می‌رسد. سفالینه ایران به علت تأثیر جنبه‌های مذهبی، اقتصادی، کشاورزی و اجتماعی در دوره‌های مختلف تحول و تکامل یافته است. اما در دوره اسلامی این تحولات چشمگیر بوده و در مقایسه با دوره متقدم دارای اهمیت بسیار است»^۵.

مناطق مربوط به رواج سفالگری

کاوشهای باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در گذشته توزیع جغرافیایی صنعت سفالگری در ایران در شش منطقه عمده ذیل بوده است:

- ۱- منطقه غرب کوههای زاگرس نزدیک کرمانشاه (گنج‌دره، تپه مربوط به هزاره هشتم قبل از میلاد در زیویه کردستان)؛
- ۲- کرانه‌های جنوبی دریای خزر، گیلان، (اسالم، چراغعلی تپه یا تپه، مارلیک و کلو رز) و مازندران (بهشهر و جرجان)؛
- ۳- شمال غرب آذربایجان شامل حاجی فیروز و تپه حسنلو در آذربایجان غربی، یانیک تپه در آذربایجان شرقی و تخت سلیمان در تکاب؛
- ۴- جنوب شرقی ایران (کلپورگان بلوچستان) شهر سوخته در سیستان و تپه شهدا (در کرمان)؛
- ۵- ناحیه مرکزی ایران شامل سلطان‌آباد (اراک فعلی)، چشمه‌علی، ری، سیلک (کاشان)، تپه گیان در نزدیکی نهاوند، تپه موشلان، اسماعیل‌آباد شهریار، ساوه، تپه حصار (دامغان)؛
- ۶- خوزستان (جنوب) و فارس، شوش، تخت جمشید، تل باکون در نزدیک تخت جمشید.^۶

تقسیم سفالگری و محصولات سفالین براساس سلسله‌های پادشاهی

با وجود آنکه از نظر عقل و منطق منحصرکردن انواع خاصی از تولیدات به یک سلسله پادشاهی مردود است اما متأسفانه اکثر محققان قبلی به آن عمل کرده‌اند و اطلاعات جمع‌آوری شده به‌همان صورت تنظیم گردیده است. شاید دلیل اصلی آنها در مطالعه سفالینه‌ها براساس سلسله‌های پادشاهی در قدرت مطلق حکومت‌های استبدادی گذشته در القای ارزشها و تشخیصهای خود به دیگران باشد که درواقع، هنر و خلاقیت محدود به خواست حکومتها می‌شد و راهی غیر از انتخاب آنها برای مطالعه باقی نمی‌ماند.

به‌طور کلی برای تلخیص مطالب، سفالگری ایران را به دو دوره کلی می‌توان تقسیم کرد:



۱- دوره قبل از اسلام که چهار سلسله ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی را دربرمی گیرد و شرح هریک از آنها مجال بیشتری می طلبد؛ ۲- دوران پس از اسلام که این صنعت به شکل گسترده تری ادامه یافته است.

اثر تعالیم اسلام در رونق سفالگری

دین اسلام استعمال فلزهای گرانبها را منع می کند که در دوران ساسانیان منحصراً برای ظروف تجملی و تشریفاتی به کار بردند. پس از تسلط اسلام، سفالسازان که قرنهای پیش به جز ظروف مورد استفاده روزانه درست نمی کردند، طبعاً به این فکر افتادند که جانشینی برای ظروف طلا و نقره به وجود بیاورند. اینان از موادی که برای ساختن لعاب به کار می رود یکی آهن را داشتند که گاهی به رنگ زرد صاف و گاهی مسی کبود نسبتاً خوب است. مع هذا با همان ناچیز فنی شروع به کار کردند و طی دو قرن هنر جدید بسیار هنرهای نفیس به وجود آوردند.^۷

همزمان با گسترش دین اسلام در اوایل قرن هفتم میلادی، سفالسازی نیز همانند هنرهای دیگر به تدریج در ایران رونق تازه ای یافت. ظروف سفالین در اوایل دوره اسلامی، از لحاظ ساخت و نوع طرح بسیار مختلف و متنوع است. ارزش تکنیکی و فنی بعضی از آنها به طرح و نقش ظروف بستگی دارد درحالی که گروه دیگر از نظر رنگ آمیزی و نوع لعاب شایان توجه است.

مراکز عمده سفالسازی در ایران امروز

پس از سیری کوتاه در گذشته صنعت سفال و آثار برجای مانده از آن در نقاط مختلف کشور ضرورت دارد که اندک آشنایی نیز از وضعیت کنونی سفالگران و مناطق استقرار آنها داشته باشیم. از مراکز تولید سفال در کشور ما در این دوران از همدان، سراوان، جوین و سند گناباد را می توان نام برد. علاوه بر مناطق یاد شده، سفال همدان که قسمت اعظم آن مربوط به شهر لاله جین است از مراکز سفالسازی مهم در ایران امروز محسوب می شود.

در حدود سال ۱۳۵۰ گزارشی از وضعیت کارگاههای تولیدی در ایران وجود دارد که به خوبی فاصلهها را با گذشتههای دور و امروز نشان می دهد. در شیراز شصت کارگاه کاشی سازی موجود است که سالیانه حدود چهل هزار کاشی تولید می کند.

هر کارگاه دوازده تا چهارده کارگر دارد. در برازجان، نیریز، داراب و فسا جمعاً ۲۹ کارگاه سفال سازی و ... در اصفهان، لنجان، حکمران و چهارمحال بیشتر؛ در بروجن، مشهد، بیرجند، سبزوار، نیشابور، گناباد، ظروف سفالی و در گرگان، ساری، آمل، بابل، نوشهر و شهسوار سالیانه دو میلیون سفال برای پوشش سقف ساخته می شود. در رشت و اطراف آن سالانه در حدود ۱۵۰/۰۰۰ عدد سفال مخصوص سقف و ۲۵۰۰۰ عدد ظروف لعاب سبز رنگ و در حدود ۴۰۰/۰۰۰ عدد آجر لعابی تهیه می شود.^۸

برخی مشخصات عمومی استان همدان

برای شناخت بهتر و کامل تر شهر لاله چین و سفال سازی آن به نظر می رسد همان گونه که یک آشنایی مختصر با تاریخ سفال سازی جهانی و ملی لازم است. شناخت مختصر ویژگیهای استانی، که این منطقه در آن محصور است، شهری که در فاصله ۲۵ کیلومتری لاله چین بیش از سه هزار سال قدمت دارد و به دلیل همین ویژگی شهرت جهانی دارد؛ از ضرورتهای این مطالعه به نظر می آید.

استان همدان با وسعتی حدود ۱۹۴۴۵ کیلومتر مربع در غرب ایران بین ۳۲ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. استان همدان از شرق به استان مرکزی، از غرب به لرستان و باختران و بخشی از استان کردستان، از شمال به استان زنجان و از جنوب به استان لرستان محدود است.



مختصری دربارهٔ موقعیت فرهنگی استان همدان

استان همدان در حقیقت محل تلاقی خرده فرهنگهای ملی است؛ زیرا از سمت غرب به استانهای کردنشین کردستان و کرمانشاه و از سمت شمال به استان ترک‌زبان زنجان و از سمت جنوب با لرهای لرستان و از سمت شرق نیز به مناطق فارس‌نشین ایران می‌پیوندد و قسمتهای مختلف این استان، خود مجموعهٔ کاملی از این خرده فرهنگهاست. این استان پل ارتباطی غرب ایران با مرکز و سایر نقاط آن است.

«مردم استان همدان دارای فرهنگ، آداب و سنن و قومیت‌های مختلف هستند. بدین لحاظ، به زبانهای فارسی در مراکز استان و ترکی در شمال و غرب و لری و لک در ملایر و نهاوند و کردی در شمال غرب استان (به‌علت مجاورت به کردستان و کرمانشاه) تکلم می‌نمایند. از این استان شخصیت‌های برجسته‌ای در علوم و معارف اسلامی، ادب و هنر و سیاست برخاسته و مصدر خدمات شایسته‌ای برای این مرز و بوم و جهان اسلام شده‌اند که از میان آنها چهره‌های ارزنده‌ای چون: ملاحسینقلی شوندی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد بهاری، شیخ محمدباقر بهاری، شیخ حنیف نهاوندی، میرسیدعلی همدانی، علامه حسینعلی تویسرکانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، باباطاهر، عین‌القضات، حافظ ابوالعلاء، میررضی‌الدین آرتیمانی، سیدجمال‌الدین واعظ، ابوطالب، کلیم همدانی معروف به کاشانی، فخرالدین عراقی راوندی، بدیع‌الزمان همدانی، شهید ملا عبدالصمد، شهید میرزا هاشم، آیت‌الله آخوند ملاعلی و ... را می‌توان نام برد».^۹

دربارهٔ بافت فرهنگی استان همدان و سنتها و روشهای معیشت و امثال آن، که بین مردم این سامان مرسوم شده نباید وضعیت اقلیمی آن را، که از سردسیرترین مناطق ایران است، در پی افکندن این بنا نادیده گرفت. فلاتی بدون آب و هوا، کمبود نسبی آب در فصول گرم و موردنیاز محصولات، سرمای طولانی و یخبندان و برف طولانی نوعی چاره‌اندیشی، عاقبت‌نگری، ذخیره‌سازی و قناعت را به مردم این دیار تحمیل کرده است. شاید بتوان یکی از علل مهم توسعه‌نیافتگی صنعت را در این استان روحیهٔ محافظه‌کارانه و محتاط مردمی دانست که طبیعت‌گزیدگی را به صور مختلف تجربه کرده‌اند. امروز که در افتادن با طبیعت با ابزارها و

وسایل قوی تر و مجهزتری ممکن شده این طرز تلقی باید تغییر کند و این مستلزم سرمایه گذاری مادی و معنوی مردم و دولت به همراه یکدیگر است.

در حال حاضر، این عقب افتادگی اقتصادی، صنعتی و فرهنگی در حال محو شدن است. اگر بیست سال پیش وجود مرکزی برای آموزش عالی جزء آرزوهای مردم و فرهنگ دوستان و طالبان علم بود، امروزه دهها مؤسسه حتی در شهرهای کوچک استان وجود دارد که به آموزش دانشجویان بومی و غیربومی می پردازند و همین گونه است وضعیت بخشهای دیگر این استان که می توان گفت از رخوت دیرین به در آمده است. اما آیا این همه در برابر تحولات برق آسا و شگرف دنیای امروز کافی است؟ قطعاً پاسخ منفی است پس باید چاره ای اندیشید.

صنایع دستی استان همدان

درباره صنایع دستی استان همدان اداره صنایع دستی انواع آن را به هفت رشته مختلف تقسیم کرده است که در رأس همه آنها قالی بافی و سفال سازی را معرفی می نماید: «به طور کلی صنایع دستی استان همدان شامل هفت رشته قالی بافی، سفال سازی، چرم سازی (سراجی و دباغی) دست بافی، گلیم بافی، گیوه بافی، و تولیدات و مصنوعات چوبی است که از این میان، قالی بافی و سفال سازی به جهت قدمت، کثرت تعداد مولدان، ارزش افزوده بالاتر و عمومی تر بودن مصرف آنها از اهمیت و ارجحیت بیشتری برخوردارند».^{۱۰}

درباره دو رشته مهم تر صنایع دستی در استان همدان این توضیح لازم است که قالی بافی تقریباً در سراسر مناطق استان کم و بیش معمول است در حالی که سفال سازی تنها در چهار نقطه استان یعنی فرس فنج، توجفال و مانیزان و مهم تر از همه لاله چین رواج دارد. به دلیل آنکه درباره سفال سازی شهر لاله چین به تفصیل توضیح خواهیم داد. در این قسمت، که بحث صنایع دستی استان همدان مطرح است، به مناطق دیگری در همین استان می پردازیم که فرآورده های سفالین تولید می کنند.



روستای فرسفیج

روستای فرسفیج که در پانزده کیلومتری شهرستان تویسرکان است ۲۵ سفال‌ساز دارد، لیکن ایشان به لحاظ کمبود سرمایه و علل دیگر تاکنون اقدام به احداث واحد اختصاصی نکرده‌اند و در کاروانسرای مخروبه، که میراثی از زمان صفویه است، به تولید می‌پردازند. در سال ۱۳۶۲ مدیریت صنایع دستی همدان به منظور حفظ، احیا و ترویج این صنعت اصیل و مولد، علاوه بر توزیع ابراز و وسایل نوین سفال‌سازی در بین ایشان به صورت بلاعوض زمینی را به مساحت پنج هزار مترمربع از اراضی ملی تملک نمود و به ایجاد ناحیه کوچک صنعتی با وسایل ابتدایی مشغول شدند. به لحاظ کمبود امکانات، تعداد بسیاری از این سفال‌سازان به کارهای جنبی همانند کارگری و میوه‌فروشی روی آورده‌اند و فقط چهارده نفر از ایشان در ده حجره از این کاروانسرا مستقر شده‌اند.

در حال حاضر، مجموع سفال‌سازان روستای فرسفیج سالانه حدود سیصد هزار قطعه با قیمت سی میلیون ریال اشیای سفالی تولید می‌کنند.^{۱۱}

روستای توچغال

در این روستا، که از توابع شهرستان ملایر است، فقط سه کارگاه سفال‌سازی دارد و با همان روش ابتدایی، به تولید کالاهای بدون لعاب همانند گلدان چرخی، کوزه آب، تگار و کول چاه می‌پردازند. میزان تولید سالانه ایشان حدود نود هزار قطعه و به ارزش تقریبی نه میلیون ریال است.^{۱۲}

روستای مانیزان

در مانیزان سه واحد تولید کوزه و تگار گلدان وجود دارد که همانند سفال‌سازان توچغال و فرسفیج به تولید مشغول هستند. میزان تولید سالانه ایشان نیز حدود ۱۱۰/۰۰۰ قطعه و به ارزش تقریبی ۱۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.^{۱۳}

لاله چین و تاریخ ابهام آمیز آن

در برخی نوشته‌ها قدمت لاله چین را نزدیک به دو هزار سال می‌دانند اما برای این ادعای خود هیچ دلیل مستندی ذکر نکرده‌اند. درعین حال، دلیل کافی برای رد این اظهارات نیز وجود ندارد. «قدمت تاریخی لاله چین شاید به دوهزار سال قبل می‌رسد. به علت حمله‌ها و لشکرکشیهای متعددی که صورت گرفته، این شهر، که در آن زمان روستایی نسبتاً بزرگ بوده و دستخوش حوادث فراوانی گردیده که آثاری از قدیم به جز خرابه‌هایی که در قسمت جنوب غربی لاله چین کنونی موجود است که آن هم قدمتی در حدود سیصد سال دارد. چیز دیگری بر جای نمانده است. در زمان حمله مغول به ایران این شهر مورد حمله قرار گرفته و محل روستا که در جنوب شرقی شهر کنونی واقع بود به کلی ویران گردیده و عده زیادی کشته شدند و گروهی را نیز بالاجبار یا به میل خود به کشور چین بردند که با گذشت زمان عده‌ای از آنها در بازگشت به لاله چین آن زمان هنر سفال سازی را به روش قدیمی چینیان، به این شهر ارمغان آوردند که به «لاله چینی» یا «لعل چینی» شهرت یافته و باعث گردید تا بازسازی روستا را در شمال شهر کنونی (بالتر از شهرداری فعلی) دنبال نماید».^{۱۴}

از گزارشهای مهم و مستند درباره لاله چین در کتاب *نزهت القلوب حمد*... مستوفی می‌توان مواردی مشاهده کرد. «شهر همدان ده تومان و نیم حاصل دارد و ولایتش پنج ناحیه دارد. این نواحی شامل ماین ۴۱ پارچه ده، شراهین یا (شرامین) با ۴۱ پارچه ده، اعلم با ۳۴ پارچه ده، سردرود و برهمندود با ۲۱ پارچه ده و فرایور با ۷۵ پارچه ده است که در میان قرای ناحیه فرایور، لاله چین از همه مهم تر است». نمونه دیگری که تاریخ وجود لاله چین را قدیمی تر کرده این است: «در عصر هخامنشی نیز در این ده صنعت سفال سازی به صورت ابتدایی رواج داشته است».^{۱۵}

در تاریخ لاله چین حداقل دوبار ویرانی اتفاق افتاده است. یک بار در حمله مغولان و دگر بار در یورش افغانها که در کتب تاریخی مختلف آمده و در مورد کل مناطق ایران مشترک است. اخیراً در حفاریهای صورت گرفته سنگ قبرهایی کشف شده است که قدمت لاله چین را تا دوران صدر اسلام تأیید می‌کند (سال ۳۱ در کنار یک سنگ قبر وجود دارد) و در حاشیه آن کلمه «لاله



جین» که متعلق به کدخدا بهرام است و با عبارت هذا و به زبان عربی نوشته شده است، می‌تواند معرّف تاریخ طولانی این شهر باشد.

خاستگاه یا وجه تسمیۀ نام «لاله‌جین»

نظریۀ قبلی، که نام لاله‌جین را اخذ شده از «لعل چینی» می‌دانست به‌نظر می‌رسد ساختگی باشد؛ زیرا قبول این نظریه به‌معنی آن است که قبل از حمله مغولها به ایران، سفال‌سازی در کشور ما هیچ نوع سابقه‌ای نداشته است و تنها به برکت این حمله بوده است که مردم لاله‌جین سفالگری آموخته‌اند و هیچ دلیلی نیز ندارند که چرا مهاجمان از مجموع شهرها و روستاهای مورد تصرفشان تنها مردم لاله‌جین را برای آموزش سفال‌سازی برگزیده‌اند.

«لالجین را اغلب لاله‌جین می‌نویسند اما اینکه لاله‌جین درست است یا لالجین؟ ابتدا می‌باید معنی لغوی آن را دریابیم. لاله‌جین از دو کلمۀ «لاله» + «جین» تشکیل شده است. لاله که معنی روشنی دارد و نام گلی است. اما جین به چه معناست؟ در استان همدان نام آبادیهایی که دارای پسوند جین باشد بسیار است از جمله دیوجین، فارس‌جین، وفرجین، پله‌جین و ... در زمان استیلای اعراب دیوجین را قریه‌الجن نامیده‌اند. از اینجا پیداست که جین به‌معنی آبادی است. «دیوجین» به‌معنی آبادی دیو، «فارس‌جین» به‌معنی آبادی فارس و «وفرجین» به‌معنی آبادی برف که این نامها فارسی است همان‌طور که در مناطق ترک‌نشین همدان روستایی به‌نام «قارلق» وجود دارد که به‌علت وفور برف آن را قارلق نامیده‌اند. (قار در زبان ترکی به‌معنای برف)، «وفرجین» نام پارسی قارلق است. در نتیجه، لاله‌جین را می‌توان آبادی لاله دانست. اگرچه امروزه ساکنان شهر و منطقه ترک‌زبان‌اند، نام آن پارسی است. بنابراین، چون نام محل فارسی و ساکنان آن ترک‌زبان هستند نام خود را حفظ کرده و امروزه در بین ساکنان منطقه «لالائین» یا «له‌له‌ئین» نامیده می‌شود.^{۱۶}

استدلالی که ارائه شد قوی و محکم است و به‌راحتی نمی‌توان در آن شک کرد؛ البته نظریات دیگری نیز در بین مردم در این مورد وجود دارد که به‌دلیل تنوع و مستند و مستدل نبودن نمی‌توان آنها را پذیرفت. یکی از این روایتها درباره‌ی لال شدن یک فرد بر اثر موجودات نامرئی

یعنی جن یا به زبان ترکی «جین» در یکی از ۲۴ چشمه لاله‌چین بوده است که تنها چون باور مردمی است می‌تواند مورد احترام باشد و به‌نوعی، تخیل نسلهای قبلی را راجع به ترکیب لال+جین نشان می‌دهد.

لاله‌چین شهر سفال و کار

وضعیت اشتغال لاله‌چین به دلیل رواج سفالگری با کلیه مناطق استان همدان متفاوت است. بیش از هزار کارگاه سفال در این شهر، نبض اقتصادی شهر را با قدرت و قوت به حرکت درمی‌آورند. وضعیت اقتصادی لاله‌چین کیفیت بالایی دارد و شاید در سطح استان کمتر جایی از این نظر در حد لاله‌چین باشد و حتی می‌توان گفت که منحصر به فرد است. سطح اشتغال در لاله‌چین $\frac{۸۷}{۳}$ ٪ بوده که بالاترین رقم در سطح استان است.^{۱۷}

با توجه به اینکه تعداد کارگاه‌های سفالگری لاله‌چین دائماً در حال افزایش و گسترش است و هر سال تقریباً یکصد مورد به آنها اضافه می‌شود بنابراین، آمارها در حال حاضر به‌طور قطع بیشتر از هزار مورد خواهد بود.

«از افراد شاغل در لاله‌چین $\frac{۳۲}{۷}$ ٪ به کار سفال‌سازی، $\frac{۲۶}{۵}$ ٪ در کسب و سفال‌فروشی و واسطه‌هایی که ظروف سفالی را از کارگاه خریداری و به فروشندگان سایر شهرهای کشور منتقل می‌کنند. به‌رغم وضعیت نسبتاً خوب آب و زمین در این شهر، میزان شاغلان در رشته کشاورزی $\frac{۲۹}{۶}$ ٪ است. $\frac{۱۱}{۲}$ بقیه در رشته ساختمان اشتغال دارند.

طبق اطلاعات موجود، تعداد کارگاه‌های سفال‌سازی در لاله‌چین (۱۳۷۰) بالغ بر ۷۵۰ کارگاه بوده است که از این تعداد ۴۵۰ کارگاه پروانه دارند و بقیه آنها فاقد پروانه هستند.^{۱۸}

در حال حاضر، بیش از نصف خانوارها در لاله‌چین و روستاهای اطراف از راه سفالگری امرار معاش می‌نمایند. درباره سفال‌سازی شهر لاله‌چین تقسیم‌بندیهای متفاوت و متعددی می‌توان در نظر گرفت تا ابعاد و زوایای مختلف آن نمایان‌تر شود. برای مشخص شدن و احاطه بیشتر به مطلب، کارگاه را محور مطالعه خود برمی‌گزینیم؛ زیرا هم محل تولید سفال و هم محل جمع



شدن نیروهای انسانی و ابزارها و وسایل موردنیاز برای به نتیجه رسیدن این هنر و صنعت دیرین است.

اگر کارگاهها را محور تحلیل خود در بررسی سفالگری لاله‌جین بدانیم چند نکته قابل ذکر در این باره عبارت‌اند از: ۱- تغییر تعداد کارگاهها در لاله‌جین در طی یک قرن گذشته از حدود ۲۲ مورد تا بیش از هزار مورد (نزدیک به پنجاه برابر)؛ ۲- تغییر تدریجی نوع ساختمان مورد استفاده از محیطی تنگ و تاریک و بی‌نور و مرطوب و فاقد امکانات بهداشتی به محیطی تقریباً قابل تحمل در برخی از کارگاهها؛ ۳- تغییرات بسیار زیاد در نوع تولیدات و چگونگی تهیه آنها؛ ۴- تحول در نوع ارتباطات نقشهای مختلف درون کارگاه مثل صاحب آن، استادکاران و شاگردان آنها و الگوهایی که در هر نقش عرضه می‌شود؛ ۵- تنوع در تولیدات مختلف کارگاهها و تقسیم آنها به تخصصهای مختلف که حداقل شامل نوع کلی ریخته‌گری دوابی، استفاده از چرخ سفالگری (گلدان چرخ، پارچ و لیوان و دکوری، کوزه و خمره، گلدان بی‌لعباب و قلک، کاسه غذاخوری تولید شاهرضایی، زیرگلدانی، دیزی و آبدان مرغی) و تولید ظروف سفالی با استفاده از قالب (گلدان، کاسه توال، میوه‌خوری).

مورفولوژی و سیمای کارگاهها در لاله‌جین

سفالگری در لاله‌جین در گذشته بیشتر شیوه تولید خانوادگی بوده است و کارگاهها معمولاً بخشی از منزل مسکونی بودند و در مجاورت آنها قرار داشته‌اند. بقایای این نوع زندگی و فرهنگ را در بسیاری از کارگاهها در حال حاضر هم می‌توان مشاهده کرد و با وجود آنکه ایجاد شهرکی مستقل برای سفالگران در خارج از شهر بیش از یک دهه مورد توجه بوده است، هنوز توفیق چندانی حاصل نشده است. آنچه در گزارش زیر می‌آید با وجود گذشت زمان هنوز هم برقرار است.

«اکثر کارگاههایی که در لاله‌جین به تولید سفال اشتغال دارند، کارگاههای سنتی هستند. اصول و روشهای نوین و شرایط مطلوب ساختمانی در آنها کمتر رعایت شده است. ساختمان اکثر این کارگاهها خشتی و طاق ضربی است. معمولاً در پایین‌تر از سطح معابر عمومی قرار گرفته است و روشنایی کافی ندارد. نور این کارگاهها از سوراخهای سقفهای گنبدی آنها به درون

کارگاهها می‌تابد. به علت وجود گل و اجتناب از تبخیر نم موجود در آن، جریان هوا و نور در آنها راه دارد. این گونه کارگاهها به علت فقدان نور، تاریک و دخمه مانند هستند»^{۱۹}.

کارگاههای موجود در لاله‌چین را می‌توان براساس ملاکهای مختلفی تقسیم‌بندی کرد که اهم آنها عبارت‌اند از: ۱- براساس وسعت کارگاه (از ۵۰ متر مربع تا ۴۸۰۰ متر)؛ ۲- ملاک قدمت و نوع مصالح (از کارگاههایی با عمر شش نسل مداوم در یک خانواده تا کارگاههای جدیدالتأسیس و مدرن)؛ ۳- براساس نوع تولیدات که قبلاً بحث شده است؛ ۴- براساس توأم بودن با واحد مسکونی و مستقل از واحد مسکونی؛ ۵- کارگاه دارای فروشگاه یا فاقد آن. در یک تقسیم‌بندی ساده‌تر کارگاههای موجود در لاله‌چین را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- کارگاههای قدیمی خشت و گلی که با مصالح بومی گذشته ساخته شده‌اند؛ ۲- کارگاههایی که میانگین عمر آنها حدود چهل سال است و به شکل ساختمانهای معمولی بنا شده و از آجر و تیر آهن بهره برده‌اند؛ ۳- کارگاههای نسبتاً مدرنی که براساس پیش‌بینی فضاهای مختلف کارگاهی و با نقشه و محاسبه قبلی بنا شده‌اند. بعضی از این مناطق از بودجه و امکانات دولتی بهره می‌برند.

بخشهای داخلی یک کارگاه سستی

یک کارگاه سفالگری در لاله‌چین معمولاً قسمتهای مختلفی دارد که در اکثر کارگاهها مشترک است؛ البته بسته به میزان فضای موجود، نوع تولیدات و ابتکارات احتمالی شاغلان ممکن است تفاوت‌های جزئی وجود داشته باشد، اما عموماً شرایطی دارند که نزدیک به سی سال قبل توصیف شده‌اند:

«هر کارگاه شامل: ۱- گودال و حوضچه‌های مخصوص شستشوی خاک و آماده کردن آن، که خود سه نوع است: الف) حوضچه گود مانند، مخصوص به هم زدن خاک و آب؛ ب) حوضچه کم‌سطح و کم‌عمق مخصوص خشک شدن گلهای شسته شده؛ ج) گودال محل ایستادن کارگر.

از همین محقق، تقسیم‌بندی جزئی‌تری بدین صورت وجود دارد که وضعیت کارگاهها را حدود سه دهه قبل نشان می‌دهد. بسیاری از این موارد هنوز هم وجود دارند. ۱- محل جمع‌آوری



خاک؛ ۲- چاه آب؛ ۳- محل مخصوص انبار قالبهای گلهای خشک شده برای زمستان؛ ۴- محل ساختن مخصوص گل (گلخانه)؛ ۵- محل مخصوص خشک کردن ظروف؛ ۶- کوره؛ ۷- انبار ظروف.^{۲۰}

با وجود آنکه مرز کاملاً مشخص و قاطعی نمی‌توان برای میزان و حدود استفاده از کارگاه قائل شد و در زمانهای مختلف با توجه به شرایط ممکن است بهره‌برداریهای متفاوتی از هرکدام از قسمتها صورت بگیرد، معمولاً حدود بیست الی سی مترمربع از قسمت ورودی کارگاه به محل استقرار چرخ سفالگری و مذاکره با مشتریان و آشنایان مراجعه‌کننده اختصاص یافته است. به دلیل نور کافی و امکان برقراری ارتباط با افراد درحقیقت این قسمت از کارگاههای سفالگری قدیمی به محل استقرار مدیریت و اداره واحد تولیدی تبدیل شده است. یکی دیگر از استفاده‌های موسوم از این قسمت، آماده کردن گل برای سفالگری است. کف سیمانی برای انجام این عمل مناسب‌تر است.

طاق اول به‌همراه طاق دوم برای آماده کردن گل سفالگری به‌کار می‌رود. وسایل لازم برای چرخکاری یک نفره، دو نفره یا بیشتر در همین محل نگهداری می‌شود تا از آنها به‌موقع، استفاده لازم صورت گیرد.

قسمتهای انتهایی، که معمولاً بیش از سه طاق را دربرمی‌گیرد، برای نگهداری گل آماده و خاک به‌کار می‌رود و هنگام زمستان به‌عنوان گرمخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و قسمتی از کارگاهها که مقابل کوره قرار گرفته است برای استفاده در زمستان برای خشکاندن ظروف تولید شده به‌کار می‌رود. آخرین بخش واحد انبار کارگاه و محل نگهداری محصولات تولیدی است. کوره سفالگری، که از اساسی‌ترین بخشهای واحد تولیدی سفال است، در قسمت انتهایی کارگاهها و در سطوحی پایین‌تر از کف کارگاه قرار می‌گیرد.

توصیف یک کوره یا «دم» کارگاه

کوره که بخش مهم و اساسی کارگاههای سنتی است و در زبان محلی «دم» گفته می‌شود در یک نمونه مورد بررسی به‌صورت زیر است. داخل کوره حدود ۲/۳۰ سانتیمتر ارتفاع و ۲۴۰ سانتیمتر

قطر دارد. دهانه سوخت کوره ۵۲ سانتیمتر ارتفاع دارد و زیر قسمت اصلی کوره قرار گرفته است. قسمت قرار گرفتن چراغ حدود ۲۵ سانتیمتر طول و ۵۰ سانتیمتر عرض دارد. کوره از خشت و گل ساخته و به دلیل پخته شدن مکرر بسیار مستحکم و استوار شده است. عمر کوره مورد مطالعه براساس اظهارات مالک آن بیش از یک قرن است. برای بهره‌گیری بیشتر از کوره‌ها هر دو الی سه سال یکبار دیوارها را از داخل کاهگل می‌کنند. برای انجام کاهگل ابتدا دیوارهای کوره را می‌تراشند و سپس مجدداً آن را کاهگل می‌کنند. کف کوره از خاک سفت تشکیل شده و مثل دیواره‌ها نیاز به تعمیر ندارد.

چرخ سفالگری در کارگاههای سستی

از ابزارهای مهم و اساسی در کارگاههای سفالگری چرخنی است که با آن ظروف مختلف شکل می‌گیرد و در یکی از کارگاههای مورد بررسی وضعیت زیر را داشت: ارتفاع چرخ از کف زمین ۷۸ سانتیمتر است و عرض دستگاه یک متر و طول آن ۱/۵ متر است. محل قرار گرفتن سه چرخ سفالگری در محوطه‌ای به اندازه $1 \times 3/5$ متر قرار گرفته است. محل «پالجویق باسن» که در مجاورت چرخها و در وسط طاق قرار گرفته حدود دو متر طول و هشتاد سانتیمتر ارتفاع دارد. در این قسمت، به لوله کردن و فتیله نمودن گل می‌پردازند و گل آماده شده را تحویل چرخکار می‌دهد. قسمت فتیله و لوله کردن سفالگری اندکی تورفتگی دارد تا کارگر سفالگر در زمان آماده کردن گل و جلو- عقب رفتنهای مکرر پاهایش صدمه نبیند و به دیوار مقابل برخورد ننماید.

مواد اولیه و ابزارها

سه عنصر مواد اولیه، ابزارها و مورفولوژی کارگاهها در کنار هنرمندی سفالگران زمینه ایجاد این صنعت و هنر ارزنده را فراهم می‌سازد. مواد اولیه مورد مصرف در کارگاههای سفالینه لاله‌چین در بین دو دسته مجزای چرخکاری و دوغابی متفاوت است. بخشی از مواد اولیه مورد استفاده در این کارگاهها از گذشته باقی مانده‌اند و بعضی از آنها در دوره‌های اخیر به مجموعه افزوده شده‌اند.



مهم‌ترین مواد مورد مصرف خاک است که انواع مختلف آن از زمینهای اطراف لاله‌جین برداشت می‌شود. موادی که برای تهیه لعاب در گونه‌های متفاوت آن استفاده می‌شود. گل آماده موسوم به «گل صنعتی» که در مجتمع تولیدی- خدماتی وابسته به سازمان صنایع دستی تولید می‌شود و برخی گیاهان خودرو موثر در گل سفالگری به‌عنوان نمونه آنچه در زبان محلی به «لوئی» معروف است.

۱- خاک

خاک مورد مصرف در کارگاههای چرخکاری از مناطق اطراف شهر لاله‌جین به داخل آن منتقل می‌شود. حداکثر شعاع فاصله معادن خاک با مراکز شهر ده کیلومتر است. بیشترین میزان بهره‌برداری از نزدیکی روستای دستجرد در هشت کیلومتری شمال‌شرقی لاله‌جین صورت می‌گیرد. در زبان محلی این مراکز استخراج سفالگران را «کان» (Kan) می‌گویند.

از نظر سفالگران لاله‌جینی با توجه به نوع تولیداتی که دارند نوع خاصی از خاک می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. خاک قرمز، خاک سفید و خاک معمولی نوعی تقسیم‌بندی است که اولی را معمولاً برای ساختن دیزی، دومی را به‌دلیل قدرت چسبندگی زیاد برای کالاهای تزئینی و مصرفی و سومی را برای تهیه گلدان و خمره به‌کار می‌برند. سفالگران تقسیم‌بندی دیگری از خاک لاله‌جین براساس قدرت انسجام و استحکام آن می‌کنند که به خاک پرقوت و خاک کم‌قوت تفکیک می‌شود. برای تولید اجناس مرغوب‌تر تمایل استادکاران به تهیه «خاک پرقوت» است.

سومین ملاک دسته‌بندی خاکهای مورد استفاده، نامگذاری خاکهای مختلف براساس نوع ظروف و اشیایی بوده که از آنها ساخته می‌شده است. این نوع طبقه‌بندی هنوز هم اعتبار دارد. مثلاً می‌توان اصطلاحاتی مانند «چناق تورپاقه» و «چولمک تورپاقه» و ... به‌معنی خاک کاسه و خاک دیگ را از افراد سفالگر ترک‌زبان لاله‌جینی شنید. تقسیم‌بندی دیگر خاک براساس علوم جدید است که با تجزیه عناصر تشکیل‌دهنده آن در آزمایشگاه می‌توانند خاک مناسب و موردنیاز را تهیه نمایند. این روش در مراکز تولیدی جدید انجام می‌شود و شرح مبسوطی دارد که در این مقاله مجال آن نیست.

۲- لعاب

اشیای سفالین در اکثر موارد با پوششی از لعاب و با عنوان سرامیک و در رنگهای مختلف به دست مصرف کننده می‌رسند اما در زمان فعلی به دلایل متعددی مصرف لعاب کاهش یافته است. برخی از دلایل عبارت‌اند از: هزینه فراوان، مقبول‌تر بودن تولیدات بدون لعاب در برخی موارد، خطرناک و سمی بودن لعابهای سرب‌دار و نیاز به زمان طولانی برای تهیه لعاب. مواد اولیه لعابهای مختلف متفاوت است اما مهم‌ترین موادی که مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل شیشه تلویزیونی، بطریهای شکسته، شیشه‌های دارو، سنگ سفید، سرب پودر شده، قلع، لاجورد و تفال مس است که در مواردی خود صاحب‌کاران کارگاه و در شرایط تخصصی‌تر لعاب‌سازان حرفه‌ای‌تر در کارگاهی دیگر آن را می‌سازند. لعابها را می‌توان براساس رنگ، شفافیت، بهره‌گیری از سرب در ترکیب یا عدم استفاده از آن، تقسیم‌بندی کرد.

۳- لوئی (Loui)

گیاهی از تیره قلیایی‌هاست که در باتلاقها می‌روید. این گیاه پس از خشک شدن حالت متلاشی شده‌ای می‌یابد و به شکل رشته‌های پنبه‌ای درمی‌آید. استحکام ظروف قالبی را افزایش می‌دهد و از ترک خوردگی جلوگیری می‌کند. این گیاه فقط در برخی از کارگاههای قالبی و ظروف بزرگ به کار برده می‌شود. یکی از سفالگران مجرب درباره آن می‌گوید: «برای ساختن کاسه توال و گلدان قالبی لوئی لازم است؛ زیرا در هنگام چرخکاری شی در حال ساخت را منقبض می‌سازد و مانع از وارفتگی و سستی آن می‌شود»؛ البته موی بز هم که در کارگاههای تنورسازی این شهر به کار برده می‌شود و از طریق لگد کردن مداوم مخلوط گل و مو کاملاً با مواد دیگر آمیخته می‌شود همین خاصیت را دارد.

۴- مواد اولیه دیگر

خاک وارداتی از مناطق دیگر به‌ویژه برای کارگاههای دوغابی شامل خاک زنوز، خاک آباد، چسب و مواد سیلیکاتی، کربنات دوسود سنگین و قلوه سنگهای سفید برای مخلوط کردن و همچنین ماسه و کاه ریز برای استحکام بیشتر به کار می‌روند. کارتن، طناب و کاه درشت برای



بسته‌بندی، سوخت و الکتریسته لازم برای تأمین انرژی موردنیاز در کوره و ابزارهای برقی جدید از موارد قابل ذکر هستند.

۵- ابزارهای مهم سفالگری

ابزارهای سفالگری بسیارند. برخی از آنها عبارت‌اند از: کل تراش یا گل تراش برای تمیز کردن و تراش دادن دور اشیای سفالی، مشته به صورت فلزی یا چوبی برای صاف کردن نمای بیرونی و درونی محصولات سفالی، تیماج که به عنوان «دره» یا «چرم» هم به کار می‌رود که برای صاف کردن لبه ظروف به کار می‌رود. قاتمه که برای بریدن، ایجاد نقش و برای نگهداری محصولات تازه ساخته شده به کار می‌رود. قالب از جنس فیبر یا سفالینه که برای حمل آرام مصنوعات جدید سفالی به کار می‌روند. پایه که شکل قائم‌الزاویه دارد و از خاک سفید ساخته شده است و برای نگهداری اشیای سفالی درون کوره به کار می‌رود. تراق یا شانه کوچک برای ایجاد نقش و نگار بر روی تولیدات، پلاستیک سیاه نازک برای حفظ رطوبت اشیای بزرگ که در چند مرحله ساخته می‌شوند، انواع غریبل یا سرند برای الک کردن خاک مورد استفاده، ظروف سفالی یا پلاستیکی برای مخلوط کردن مواد و خیس کردن دست سفالگر در حین کار، هواکش برای سرد کردن سریع کوره‌ها، چراغ کوره، تخماق چوبی برای کوبیدن کلوخه‌های خاک و نرم کردن آن، مغره‌ها برای نگهداری اشیای ساخته شده در داخل کوره، سیم فلزی برای بریدن اشیای سفالی ساخته شده، نردبانهای فلزی برای چیدن طبقات مختلف کوره، سیخ برای آزمایش وضعیت ابزارهای داخل کوره و دستگاههای جدید «تریاق اوئن»، «پالچوق یتشترن»، «بال میل» برای آماده کردن و مخلوط کردن خاک و تهیه لعاب، دستگاه فیلتر پرس، فرنجر یا به هم‌زن، کوره برقی، دستگاه پاکمیل، اکسرودر یا گل ورزکن، پمپ یا دستگاه رنگ‌پاش و وسایل آزمایشگاهی که بیشتر در کارگاههای دولتی و مدرن به کار برده می‌شوند.

تکنولوژی ساخت

تکنولوژی ساخت را در کارگاههای لاله‌جین به طور کلی به سه قسمت می‌توان تقسیم کرد: (البته این دسته‌بندی هنگامی درست درک می‌شود که به ابتکارات عمل شخصی هر استادکار و

روشهای خاصی که ممکن است که در هر کارگاه رواج داشته باشد توجه شود). ۱- تکنولوژی ساخت ظروف سفالین در کارگاههای چرخکاری؛ ۲- تکنولوژی ساخت در کارگاههای دوابی؛ ۳- طریق ساخت تنور در کارگاههای محدود سستی.

۱) تکنولوژی ساخت اشیای سفالین چرخکاری

در این گروه می توان تقسیم بندیهای کوچک تری انجام داد مثل تفاوت در نوع تولیدات که برخی از کارگاهها در ادامه فرهنگ گذشته نیازهای ضروری روستاییان را تأمین می کنند درحالی که بخش دیگری صرفاً به تولیدات تزئینی و تقنی می پردازند. محصولات همراه با لعاب و بدون لعاب، همچنین بهره گیری از وسایل مدرن برقی یا استفاده نکردن از آنها می تواند مورد توجه قرار گیرد.

به صورت بسیار خلاصه شده می توان مراحل تولید را به ترتیب زیر در نظر گرفت: تهیه خاک رس؛ آسیاب کردن خاک و نرم نمودن آن؛ ترکیب با آب و درست کردن گل؛ ورز دادن گل؛ گل آماده چرخکاری؛ شکل دادن «چانه» گل بر روی چرخ سفالگری؛ سفال خام؛ خشک شدن اولیه در محل کارگاه یا جلوی آفتاب؛ پرداخت و تراش و جدا کردن زوائد؛ پخته شدن سفال با حرارت کوره؛ لعاب دادن به اشیای سفالین پخته شده؛ به کوره بردن مجدد سفالینه های لعاب دار؛ تخلیه کوره سه الی چهار روز بعد از پخت محصولات.

برای اشیای تولیدی بدون لعاب، کوره دادن مجدد ضرورت ندارد؛ زیرا در کوره قرار دادن مجدد اشیاء، برای پخت و یک دست شدن لعاب با بدنه سفال است. بهره گیری از لعاب در بین تولیدات چرخکاری و دوغابی مشترک است و هر دوی آنها می توانند از این امکان استفاده کنند یا آنکه با توجه به نوع مشتریان یا هزینه ها و مشکلاتی که وجود دارد از لعاب کردن چشم پوشی نمایند.

برای ایجاد جاذبه و زیبایی در محصولات سفالی، علاوه بر نقش و نگارهای زیبا و بهره گیری از لعاب، نقاشی روی سفال هم رواج دارد. نقاشی روی سفال در ایران عموماً به دو روش عمده صورت می گیرد: ۱- نقاشی روی لعاب که به دورنگی معروف است؛ ۲- نقاشی زیرلعاب که به زیر رنگی مشهور شده است. برتری نقاشی بر روی لعاب نسبت به نوع دیگر آن است که در صورت اشتباه به راحتی می توان آن را پاک کرد. در این روش، پس از لعاب کاری و پختن لعاب



روی آن را نقاشی می‌کنند. سپس آن را در درجات بین چهارصد تا هشتصد درجه سانتیگراد می‌پزند.

«روشهای نقاشی روی سفال را می‌توان به دسته‌های ذیل تقسیم کرد: ۱- روش برجسته‌کاری؛ ۲- روش کنده‌کاری؛ ۳- روش باسمه‌کاری؛ ۴- روش سگرافیتو که دارای دو رنگ به هم آمیخته است.» (مهدی‌زاده، ۱۳۶۳) البته با تمام دقتی که صورت می‌گیرد ممکن است ایراداتی در تولید وجود داشته باشد که بیشتر مربوط به نوع لعاب آن است. موارد شناسایی شده عبارت‌اند از: ۱- بریدگی؛ ۲- خزیدگی؛ ۳- تفتیدگی؛ ۴- سوراخ کوچک و بزرگ؛ ۵- خفگی و کوری؛ ۶- چسبندگی؛ ۷- چکیدگی قطره‌ای؛ ۸- سولفوریزه شدن؛ ۹- هوادیدگی؛ ۱۰- لک و خال روی لعاب؛ ۱۱- تطبیق لعاب؛ ۱۲- ترک؛ ۱۳- بریدگی؛ ۱۴- آب؛ ۱۵- تاول زدن لعاب.^{۲۱}

۲) تکنولوژی ساخت اشیای دوغابی

در مورد نوع خاصی از تولیدات است که در ظرف بیست سال گذشته رواج یافته و از جهتی تأسف بار است؛ زیرا هنر دستی و اصیل سفال را تا حد کاری قالبی و کلیشه‌ای پایین می‌آورد. شیوه تولید دوغابی به‌طور نسبی در مقایسه با شیوه تولید چرخکاری آسان‌تر است، مهارت کمتری لازم دارد و از رطوبت و بیماریهای ناشی از آن که در کارگاههای تاریک و مرطوب چرخکاری رواج دارد، فاصله گرفته است. مواد اولیه، نوع ترکیبات، شیوه تولید و محصولات این دو نوع مرسوم در لاله‌جین، تفاوت‌هایی دارند. به‌طور خلاصه می‌توان نوشت که «قالب» جانشین «چرخ سفالگری» و خاکها و سنگهای وارداتی از سایر نقاط کشور جایگزین خاک رس لاله‌جین شده است اما کوره سفالگری در هر دو مشترک است و هنوز باقی‌مانده است.

مراحل تولید این نوع محصولات به‌صورت مختصر و کلی عبارت‌اند از: ۱- فراهم نمودن مواد اولیه به نسبت‌های مشخص؛ ۲- ساختن دوغاب لازم؛ ۳- مرحله قالب‌ریزی دوغاب؛ ۴- تخلیه قالبها؛ ۵- تراش و پرداخت اشیای تولیدی؛ ۶- در کوره گذاشتن تولیدات؛ ۷- خارج کردن تولیدات از کوره و عرضه به بازار.

۳) تکنولوژی ساخت تنور سفالین

با وجود آنکه تنورسازی جزء سفالگری محسوب نمی‌شود اما استفاده تنورسازان از مواد اولیه اساسی مشترک با سفالگران یعنی خاک می‌تواند مهم‌ترین دلیل ارتباط این دو حرفه سنتی باشد. این نوع تولید، در نه نوبت یا نه روز در فضای آزاد حیات منازل ساخته می‌شود و نور آفتاب آن را خشک می‌کند. به‌طور قطع با این شیوه، بیشتر در فصل تابستان امکان تولید تنور وجود دارد. هر طبقه به‌طور متوسط حدود پانزده سانتیمتر ارتفاع دارد. برخی از روزهای طولانی تابستان ممکن است دو طبقه از یک تنور ساخته شود؛ زیرا طبقات زودتر خشک می‌شود بنابراین ظرف چهار یا پنج روز می‌توان یک تنور ساخت.

ساخت این نوع محصول بیشتر به مهارت فردی و دستی استادکار مربوط است و تنها مواد موردنیاز برای ساخت عبارت است از: ۱- خاک الک شده با سرنده معروف به شمارهٔ چهل؛ ۲- ماسهٔ بادی؛ ۳- گیاهی به‌نام لوئی برای قوام بیشتر.

تأثیرات متقابل تکنولوژی سفالگری و عناصر دیگر فرهنگ

شناخت ارتباطات پیچیده تکنولوژی و سایر اجزاء و عناصر فرهنگ بسیار اساسی و مهم است و با توجه به آنکه فرهنگ شامل همهٔ دستاوردهای بشری می‌شود با تجزیه کردن فرهنگ به اجزای کوچک‌ترش مثل هنر، باورها و اعتقادات و زبان می‌توان بیشتر با واقعیتها آشنا شد.

به‌صورت فهرست‌وار دربارهٔ باورها می‌توان به قداست و حرمت چرخ سفالگری و کورهٔ پخت سفالینه، «نظر کردن و چشم زدن» در هنگام کوره‌چینی، اعتقاد به نحوست یا مبارکی قدم افراد در هنگام شروع کار، وجود باورهای مشترک بین سفالگران و کشاورزان، برقرار کردن روضه‌خوانی در کارگاههای سفالگری، مشارکت اکثر سفالگران در مراسم عزاداریهای محرم و مراسم اعیاد و جشنها به‌صورت مشترک می‌توان اشاره کرد.

در مبحث سفالگری و هنر، چرخکاری را می‌توان هنر اول سفالگری دانست و در مرحلهٔ دوم ایجاد نقش و نگارهای هنری بر روی اشیای سفالین درخور اهمیت است. درواقع، به‌کار بردن واژهٔ هنر برای کار سفالگری در چند دههٔ اخیر باب شده است. در روزگاران گذشته سفالگران



خود را جزء محروم‌ترین و بدبخت‌ترین افراد می‌دانستند و بیشتر به ضرورت شرایط و گذران زندگی ناچار بودند که به این کار بپردازند. این نگرش در بین بسیاری از سفالگران هنوز باقی است. همچنین در فرهنگ گذشته در کنار نظام استادی و شاگردی مثبتی که وجود داشت گاهی انتقال مهارت‌ها با نوعی امتناع و بخل استادکار نسبت به شاگرد آمیخته می‌شد و به‌خوبی انجام نمی‌شد. اما در حال حاضر، جنبه‌های هنری کار سفالگری در حال گسترش است و احساسات سفالگران در تولیدات آنان متجلی می‌شود، هرچند که برخی از محصولات ارزنده گذشته به کلی فراموش شده است و در نهایت، این سؤال مطرح می‌شود که از بین دو مقوله هنر و صنعت کدام یک اولویت دارند. این سؤال اساسی است که برخی سفالگران پاسخ قاطعی برای آن ندارند.

درباره ارتباط سفالگری و روابط خویشاوندی، به احترام فوق‌العاده نسبت به والدین و نسل قبلی، استمرار سفالگری چند نسلی در برخی خانواده‌ها و اتحاد و یکپارچگی خانوادگی استوار گذشته در برابر فردگراییهای مفرط امروز، و گرفتاریهای امروز می‌توان اشاره کرد. علاوه بر آن، تغییرات تکنولوژیک و جانشینی نسل‌های متوالی دو عامل اساسی تغییرات اجتماعی هستند و در حالی که جدایی زوجین جوان از خانواده پدری در گذشته معادل رنج بی‌اندازه بوده است امروزه تمایل به سکونت در محیط بزرگ عامل جدایی از خانواده گسترده محسوب می‌شود.

درباره روابط اجتماعی سفالگران با گروه‌های دیگر اجتماعی یا درون خودشان به از هم پاشیده شدن تقریبی تعاون سستی در بین آنان و گروه‌های دیگر، تأثیر مالکان در زندگی اقتصادی سفالگران در گذشته و نوسان روابط با نهادها و سازمانهای دولتی را فهرست‌وار می‌توان نام برد. همچنین سفالگران با مسافران، ایرانگردان، محققان و هنرمندان در چند دهه گذشته ارتباطات انسانی ارزشمندی برقرار کرده‌اند.

زبان مردم لاله‌جین ترکی است اما در نسل جدید در حال تغییر به فارسی است. این امر تنها منحصر به این منطقه نیست بلکه در تمام مناطق استان همدان به دلیل ضرورت تحصیل کودکان و تحقیری که به غیر فارسی‌زبانان می‌شود در حال تغییر است.

نتیجه

با مطالعه و تحقیق مستمری که طی چندین سال درباره سفال لاله چین صورت گرفت و به طور متناوب از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ طول کشید، موارد زیر به دست آمد:

۱- هدف اصلی که کشف نقاط تلاقی و ارتباط متقابل تکنیک سستی سفالینه و فرهنگ حاکم در بین سفالگران و در ابعاد وسیع تر، کلیه مردم لاله چین است با توجه به شاخصهای کشف شده مثل قصه‌ها، ضرب‌المثلها، استفاده از کارگاههای سفالگری برای مراسم روضه خوانی، باورهای مربوط به دستگاه چرخ سفالینه و کوره‌های پخت اشیای ساخته شده و دهها مورد دیگر، گواهی بر این ارتباط عمیق و تنگاتنگ هستند.

۲- برخلاف تصور اولیه در مورد تکنیک همسان همه کارگاههای سفالینه تفاوت‌های فراوانی در نوع تولیدات، مصرف‌کنندگان، نوع کارگاه مورد استفاده و نوع نگرش و عمل سفالگران وجود دارد که گاهی در حد دو نسل با هم تفاوت دارند؛ زیرا برخی از آنان رقابت در تولید را به سطح بین‌المللی کشانده‌اند و بازارهایی را در سراسر جهان برای محصولات خود تدارک دیده‌اند درحالی که گروهی دیگر، هنوز به روش چند قرن گذشته برای مصارف روستاییان اطراف تولید می‌کنند.

۳- سابقه سفالگری در روستای لاله چین به قرن‌ها پیش برمی‌گردد. اما هیچ‌کس قادر نیست علت منحصربه‌فرد بودن تولید اشیای سفالین در این منطقه را که همچون جزیره‌ای در میان یک دریا قرار گرفته مشخص نماید. یک قرن قبل، تعداد کارگاهها در حد هفت مورد بوده است درحالی که امروز نزدیک به ۱۵۰ برابر افزایش نشان می‌دهد. به‌راستی در چند قرن گذشته تعداد کارگاهها چند مورد بوده است؟

۴- از مشکلات بزرگ فرهنگی و اقتصادی که اثرات منفی خود را در تولیدات و میزان درآمد سفالگران نشان می‌دهد تولید بیش از اندازه کالاهای مشابه، تقلبی و کپی‌برداری از کار یکدیگر، بازاری کردن هرچه بیشتر تولیدات و تهی کردن آنها از جنبه هنری است. درواقع، افزایش کمی تولیدات به قیمت فدا کردن ویژگیهای ارزنده کالاهای سفالینه است.



۵- نقش کارگاهها و سازمانهای دولتی مربوطه مثل سازمان صنایع دستی با تمام تلاش و فعالیتی که صورت گرفته است در مقایسه با مجموعه فعالیتهایی که سفالگران انجام می‌دهند، جنبه جزئی و حاشیه‌ای دارد؛ زیرا سفالگری در لاله‌جین جنبه عمومی یافته و تقریباً تمام مردم را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر کرده است.

۶- ورود زنان به صحنه تولید و خدمات مربوط به سفال در لاله‌جین با سرعت آغاز شده است درحالی‌که در گذشته مردم این شهر، موارد فعالیت مستقیم زنان در شرایط اضطراری پس از مرگ شوهر تنها سه مورد بوده است. امروزه آموزشکده سفالگری بیشتر دانشجویان دختر را برای این کار هنری- فرهنگی آموزش می‌دهد.

۷- از تغییرات بسیار ملموس و محسوس فرهنگی جذب و آموزش افراد غیربومی است که استادکاران سفالگر لاله‌جینی انجام می‌دهند، تساهل و تسامح به‌وجود آمده در این مورد با تعصب و سخت‌گیریهای نقل شده از گذشته بسیار تفاوت دارد.

۸- برخی از خصوصیات منفی ضد رشد و پیشرفت که بنا بر نظر بعضی محققان جامعه‌شناسی روستایی در مناطق محدود و سستی یافت می‌شود نظیر حسادت در برابر پیشرفت دیگران، ترس از آسیبهای احتمالی رقبا، آموزش ندادن به دیگران، برخورد محافظه‌کارانه و حتی بدبینانه نسبت به تحولات جدید در اشکال مختلف در محیط وجود دارد؛ البته درمقابل، نوعی ترقی‌خواهی، توسعه‌طلبی و عقلانیت و تکنیک هم در حال رشد است.

۹- در باورها و نگرشهای سفالگران تفاوت وجود دارد. درحالی‌که گروهی از آنان به‌شدت به قداست چرخ سفالگری و کوره و ... معتقد هستند، گروه دیگر این موارد را خرافات می‌دانند.

۱۰- وجود کارگاههای متعدد سفالگری در شهر لاله‌جین و اشتغال بسیاری از نوجوانان و جوانان و در مواردی کودکان به این شغل، هرچند به‌صورت موقتی و فصلی باشد و درآمدهای نسبتاً مناسبی که عاید آنان می‌شود، انگیزه ادامه تحصیل را برای دانش‌آموزان کاهش می‌دهد.

۱۱- نارضایتی از کار سفالگری در بین شاغلان آن تقریباً عمومیت دارد؛ زیرا با وجود درآمد تقریباً مناسب با رکودهای طولانی و متناوب بازار، تغییر در سیاستهای صادرات و واردات دولت، تعداد

زیاد تولیدات، سختی و دشواری کار، افزایش شدید قیمت مواد خام و دشواری تهیه آنها و کمبود منابع مالی برای سفالگران آزاردهنده است.

۱۲- تولید در گذشته با توزیع محصولات همراه بوده است، بنابراین نوعی فرهنگ دوره گردی و آشنایی با خرده فرهنگها در بین نسلهای گذشته وجود دارد؛ درحالی که، این وضعیت در دهه های اخیر تا حدودی برعکس شده است و طالبان محصولات، خود به کارگاههای سفال مراجعه یا از طریق واسطه ها اقدام می کنند.

۱۳- فردگرایی مفرط و منفعت طلبی شخصی آفتی است که سفالگران لاله جینی را از کار گروهی توأم با همبستگی اجتماعی دور می سازد. فقدان انجمنهای صنفی فعال به خوبی قابل تشخیص است. ایجاد مجتمع دولتی هم نتوانسته است تعاون گذشته را زنده نماید.

۱۴- تغییر روزافزون تولیدات معروف به چرخکار در شکل جدید قالبی یا دوغابی عملاً جنبه هنری این صنعت را رو به اضمحلال می برد و احتمال دارد در چند دهه بعد پیدا کردن استادکاری با قدرت مهارت گذشتگان غیرممکن باشد.

۱۵- نقش و نگارهای زیبا و بدیع روی سفالها که بیشتر شامل مرغ، طاووس، سیمای زنان سستی، پرندگان، خورشید و امثال آنها را دربرمی گرفت از بین رفته است و متأسفانه رنگ و نقاشی کردن بازاری بدون جنبه های هنری ارزشمند از انحطاط تدریجی این هنر و صنعت سستی حکایت می کند.

۱۶- توجه محققان، دانشجویان، هنردوستان و صنعت گران از حدود چهل سال پیش تاکنون به سفالگران لاله جین و تولیدات آنها، ثمراتی داشته است، از آن جمله در گشایش دیدگاههای آنان نسبت به خود و دیگران موثر بوده است. همچنین سفر مقامات سیاسی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب و وعده های تحقق نیافته ای که صورت گرفته است در ایجاد منفی بافی سفالگران موثر بوده است. گزینش هنجارها و ارزشهای جدید و تعبیر دیدگاهها همچنان از درون تعاملات شکل می گیرد.

۱۷- لاله جین تا چند دهه قبل در انحصار دو شغل اصلی سفالگری و کشاورزی بوده و افراد معمولاً چاره ای جز ادامه معیشت از این دو طریق نداشتند. رقابت بین این دو گروه به صورت



قصه و ضرب‌المثل‌هایی هم درآمده است. به‌وجود آمدن مشاغل صنعتی دیگر، گسترش بازار و تجارت و توجه به تحصیل علم و کسب مدارج دانشگاهی و ... از مواردی هستند که با ورود خود رقابت دو گروه شغلی را از انحصار بیرون آورده و به پیچیدگی‌های جامعه لاله‌جین را افزوده‌اند.

۱۸- کار طاقت‌فرسای سفالگری در محیط‌های تاریک و مرطوب و به‌ویژه سروکار داشتن با موادی که فراورده‌های سربی در آن به‌کار می‌رود نعمت سلامتی را از برخی شاغلان این صنعت و هنر گرفته است.

۱۹- سفالگری از صنایع دستی است که قدمت چند هزار ساله دارد. برخی از محققان برای چرخکاری سابقه‌ای شش هزار ساله قائل‌اند و طبق اعتقادات مردم، استفاده از چرخ سفالگری از زمان حضرت نوح (ع) شروع شده است. داستان‌هایی هم در این مورد بین سفالگران وجود دارد. با توجه به اینکه دوران حضرت نوح از قول علامه طباطبایی حدود هفت هزار سال قبل برآورده شده است به‌نظر می‌آید این دو دیدگاه با یکدیگر تطبیق داشته باشند.

۲۰- طرح ایجاد شهرک صنعتی سفال‌سازی در بیرون شهر لاله‌جین بیش از ۲۵ سال است که مطرح شده اما به دلایلی همچون پرهزینه بودن طرح و لزوم کار اجرایی وسیع، ناهماهنگی سازمانهای مسئول، دوری از منازل مسکونی و ... باعث تأخیر در این امر بوده‌اند.

۲۱- با توجه به تعداد کارهای تحقیقی در مورد سفالگران و سفالگری لاله‌جین مرکزی مشخص برای جمع‌آوری این یافته‌ها وجود ندارد. لازم است تشکیلات مشخصی به سازمان‌دهی و جمع‌آوری این آثار در محلی معین اقدام نماید تا از کارهای تکراری جلوگیری شود.

۲۲- سرانجام آنکه لاله‌جین با تاریخ تقریباً دوهزار ساله خود به‌همراه سابقه چند قرن‌اش در سفالگری با خاک هنرمندپرور و کیمیاگونه‌اش یک روستا-شهر استثنایی، با مردمانی سخت‌کوش و صبور است که واقعیت برجستگی و ممتاز بودنش را بر خاص و عام تحمیل کرده است و پر از رمز و رازهای گفتنی و ثبت‌شدنی است که قدمت و غنای فرهنگی‌اش را عیان می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجیدزاده، یوسف، جنبه فرهنگی طبقه‌بندی سفال، ۱۳۷۱.
۲. امیراحمدی، بهرام، تحقیقی پیرامون صنعت سفال‌سازی لاله‌چین، ۱۳۶۳.
۳. هربرت زید، ۱۳۷۱، ص ۲۳.
۴. برنارد لیچ، ۱۳۷۵.
۵. کریمی و کیانی، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، ۱۳۶۴.
۶. مهدی‌زاده، مختار، مسائل صنعت سفالگری ایران، ۱۳۶۳.
۷. آبهام پوپ، آرتور، شاهکارهای هنر ایرانی، ۱۳۱۸، ص ۵۷.
۸. فرج‌پور، عین‌ا...، تحقیق در چگونگی صنعت لعاب‌سازی و ...، ۱۳۵۰، ص ۴.
۹. ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۰. امیراحمدی، بهرام، ۱۳۶۳، ص ۲.
۱۱. همان، ص ۱۹.
۱۲. همان، ص ۲۰.
۱۳. همان، ص ۲۱.
۱۴. همان.
۱۵. فرج‌پور، عین‌ا...، ۱۳۵۰، ص ۷.
۱۶. امیراحمدی، بهرام، ص ۱۸.
۱۷. همان، ۱۳۶۷.
۱۸. همان.
۱۹. همان، ۱۳۶۸.
۲۰. فرج‌پور، عین‌ا...، ۱۳۵۰، ص ۲۵.
۲۱. نوروزی‌طلب، حمیدرضا، اصول اولیه دانش سرامیک و ...، ۱۳۷۱.

منابع

- آبهام پوپ، آرتور، شاهکارهای هنر ایرانی، مترجم پرویز نائل خانلری، تهران، ۱۳۱۸.
- آریان‌پور، امیرحسین، اجمالی از تحقیق درباره جامعه‌شناسی هنر، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- آمبرکرامبی، نیکلاس و برایان استفن هیل، ترنراس، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، انتشارات چاپخش، ۱۳۷۰.
- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان، راهنمایی شهر همدان، ۱۳۷۰.
- استانداری همدان، طرح هادی لاله‌چین، ۱۳۷۱.
- اکبری، فاطمه، پیشینه صنعت سفالینه ایران، پایان‌نامه، دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۳.
- امیراحمدی، بهرام، تحقیقی پیرامون صنعت سفال‌سازی لاله‌چین، وزارت صنایع، ۱۳۶۳.
- امیرخواجوی، خجسته، سرامیک امروز ایران با اتکا بر ویژگیهای فرهنگی، پایان‌نامه، دانشگاه هنر، ۷۴-۱۳۷۳.



- ایدت، پرادا و دایسون، رابرت، هنر ایران باستان (تملنهای پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
- بصیری، رضا، لعاب، کاشی و سفال، انتشارات گوتنبرگ، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- بهرامی، مهدی، صنایع ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۷.
- بهنام، عیسی، صنایع دستی ایران، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۴۱.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- پیسی، آرنولد، تکنولوژیک و فرهنگ، مترجم بهرام شالگوئی، نشر مرکز، چاپ دوم، اسفند ۱۳۷۴.
- چیتامیار، جی. بی. مقاله‌های برجسته‌شناسی روستایی، مترجمان احمد حجاران و مصطفی ازکیا، نشر نی، ۱۳۷۳.
- حسین‌نیا، عبدالحمید، خلاصه مقالات کنفرانس علم و تکنولوژی در جهان سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- خلیلی‌فر، امیر، سفالگری در لاله‌جین همدان، جزوه دستی، ۱۳۶۷.
- خودریان، حمیدرضا، بررسی وضعیت سفال‌سازی لاله‌جین، مدیریت صنایع دستی استان همدان، ۱۳۷۱.
- دیگار، ژان پیر، فنون کوچ‌نشینان بختیاری، ترجمه اصغر کریمی، ناشر آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- دیماند، س. م. راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدال... فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- رئیس دانا، نیره، روان‌شناسی صنعت سفال و سرامیک در ایران، پایان‌نامه، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۱.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین، تأملی در خاستگاه جامعه روستایی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره اول، ۱۳۷۴.
- روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- روح‌الامینی، محمود، مبانی انسان‌شناسی، انتشارات عطار، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- شه‌میرزادی، ملک، صادق، تپه زاغه و مسئله سفال منقوش، مقاله مجله تلاش، دانشگاه تهران، شماره ۳.
- صالحی، حکمت‌ا...، خلاصه مقالات کنفرانس علم و تکنولوژی (جهان سوم)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- صدیقی، مصطفی و اصغر کریمی، سفالینه لاله‌جین، هنر و مردم، شماره ۳۰، فروردین ۱۳۴۴.
- عباسیان، میر محمد، تاریخ سفال و کاشی در ایران از عهد ما قبل تاکنون، تهران، گوتنبرگ، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- فرج‌پور، عین‌ا...، تحقیق در چگونگی صنعت لعاب‌سازی لاله‌جین همدان و طریقه تعاونی کردن آن، پایان‌نامه، دانشکده علوم اجتماعی، اسفند ۱۳۵۰.
- فیروز، شاهرخ، سفال، تهران، ۱۳۴۵.
- قلی‌پور، جواد و محمود شیرینی و رضا عسگری، لاله‌جین و سفالگری، جزوه دستی، ۱۳۷۱.
- کریمی، فاطمه و محمد صدیق کیانی، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، مرکز باستان‌شناسی، ۱۳۶۴.
- کیانی، محمد یوسف، سفال ایرانی، بررسی سفالینه‌های ایران، تهران، نخست‌وزیری، ۱۳۵۷.
- گلاک، جی، سومی هیرو موتور، سیری در صنایع دستی ایران، تهران، انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۵۵.
- گیروشه، تغییرات اجتماعی، مترجم منصور وثوقی، تهران، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- لیچ، برنارد، به‌سوی یک معیار، ترجمه سعید برجستانی، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۷۵.
- متین، مهران و افسون رحیمی، تکنولوژی سرامیک‌های ظریف، تهران، انتشارات صنایع خاک چینی ایران، ۱۳۶۸.
- مجیدزاده، یوسف، جنبه فرهنگی طبقه‌بندی سفال، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره دو، ۱۳۷۱.
- مهدی‌زاده، مختار، مسائل صنعت سفالگری ایران، پایان‌نامه، دانشگاه هنر، ۱۳۶۳-۱۳۶۲.
- نوروزی طلب، حمیدرضا، اصول اولیه دانش سرامیک و بررسی هنر و فن سفال‌سازی در ایران، پایان‌نامه، دانشگاه هنر، ۱۳۷۱-۱۳۷۰.